

به نام خدای مهربان

وقتی میمون می شوم

۲

رمان، نوجوان
تخیلی - طنز

کلاید و نمایشگاه حیوانات خانگی



تیموتی رولاند
ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان



فهرست

فصل ۱: هیجان	۵
فصل ۲: آرواره	۱۱
فصل ۳: عکس دسته جمعی	۱۵
فصل ۴: خرابکاری!	۲۲
فصل ۵: غافلگیری!	۳۲
فصل ۶: میمون دست‌آموز ما	۳۸
فصل ۷: بالای درخت	۴۴
فصل ۸: نمایشگاه حیوانات خانگی	۵۲
فصل ۹: گرفتار!	۵۸
فصل ۱۰: حیوان دزدها	۶۴
فصل ۱۱: چه اتفاقی افتاد؟	۷۰
فصل ۱۲: آماده برای عملیات	۷۶
فصل ۱۳: گرفتار	۸۱
فصل ۱۴: دوباره نه!	۸۸



دفتر و فروشگاه مرکزی:
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه همکف، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۰۲۱ ۶۶۴۶۸۲۶۳
کد پستی: ۱۳۱ ۵۸۴۴۵۴۷ • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۶۳
@ghasedakbooks • www.zekr.co

کلاید و نمایشگاه حیوانات خانگی

وقتی میمون می‌شوم - ۲

نویسنده و تصویرگر: تیموتی رولاند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

صفحه‌آرا: مهتاب یعقوبی

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۶/۷۵۵

چاپ سوم: ۱۳۹۸ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۲-۰

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۰-۶

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم

سرشناسه: رولاند، تیموتی Roland, Timothy

عنوان و نام پدیدآور: کلاید و نمایشگاه حیوانات خانگی/تیموتی رولاند؛ ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان.

مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، کتاب‌های قاصدک، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص: مصور. فروست: وقتی میمون می‌شوم؛ ۲.

رمان نوجوان-علمی تخیلی، طنز. وضعیت فهرست نویسی: فیا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۲-۰ شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۷۰-۶

یادداشت: عنوان اصلی: Monkey me and the pet show, 2014.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های فکاهی مصور موضوع: Comic books, Strips, etc

موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی موضوع: Humorous stories, English

شناسه افزوده: میرزائیان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۶ ن و ک ۸۴۵/۵۷۴۱/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۱۹۱۸

فصل ۱ هیجان

کلودیا فریاد زد: «آرام‌تر، کلایدا!»
من یک موز را از روی میز آشپزخانه برداشتم، آن
را یک لقمه کردم و از در جلوی خانه بیرون دویدم.
دوان‌دوان از حیاط همسایه روبه‌روی‌مان گذشتم و از
روی باغچه‌ی گل‌هایشان پریدم.





خب، راستش را بخواهید نتوانستم کامل از روی آن بپریم و روی یکی دو گل آخری فرود آمدم. نمی‌دانم چند گل را زیر پایم له کردم. وقت نداشتم که برگردم و به پشت سرم نگاه کنم. باید به دویدن ادامه می‌دادم. کلودیا گفت: «صبر کن من هم بیایم، کلاید!»
هاها! من تندتر دویدم. امیدوار بودم که خواهرم به من نرسد، اما کمی پایین‌تر در خیابان، او بازویم را گرفت.

کلودیا پرسید: «دیوانه شده‌ای، کلاید؟»

گفتم: «نه.»

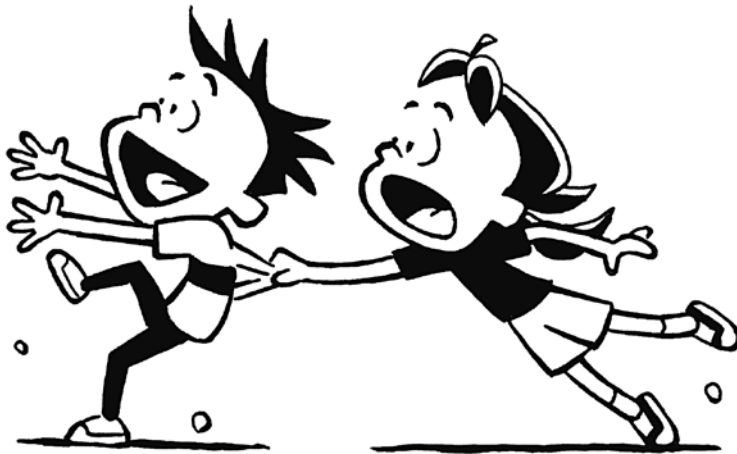
او پرسید: «نکند مریض شده‌ای؟»

گفتم: «نه. چرا این حرف را می‌زنی؟»

کلودیا گفت: «آخر تو هیچ وقت برای رفتن به

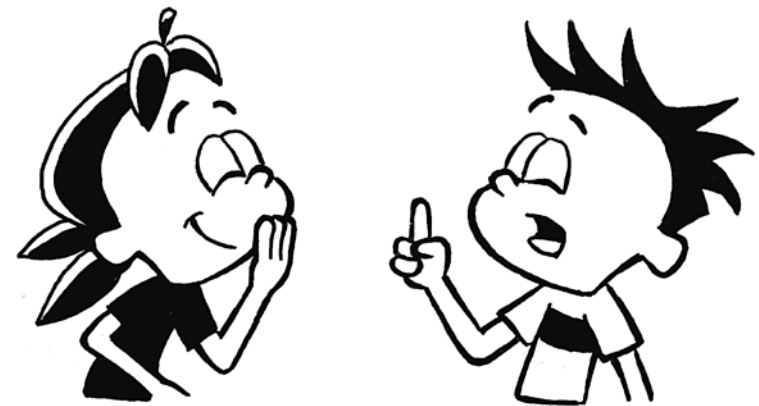
مدرسه عجله نمی‌کردی.»

گفتم: «امروز هم عجله‌ای ندارم.»
اما راستش این بود که عجله داشتم.
امروز روز عکس گرفتن دسته‌جمعی در کلاس بود! فقط فکر کردن به این موضوع هم مرا هیجان‌زده می‌کرد. وقتی هم که من این‌جوری می‌شوم، نمی‌توانم سر جایم ثابت باشم!
گفتم: «بعداً می‌بینمت!» و خودم را از دست کلودیا آزاد کردم.
کلودیا گفت: «نخیر، نمی‌گذارم جایی بروی!» و بعد پشت پیراهنم را چسبید و نگذاشت تکان بخورم.
کلودیا گفت: «باید آرام بگیری.»
پرسیدم: «چرا؟»



کلودیا به من زل زد و گفت: «خودت خوب می‌دانی چرا.»

گفتم: «نه. هیچ هم نمی‌دانم.»
او گفت: «چرا، خوب هم می‌دانی.»



گفتم: «چه حرف‌ها. اصلاً من هیچ چیز نمی‌دانم.»
کلودیا به سختی جلوی خنده‌اش را گرفت.
من هم به سختی فکر کردم تا چیز بهتری به نظرم برسد تا بگویم: «آهان، منظورت میمون شدن من است.»

کلودیا سرش را به علامت تأیید تکان داد و گفت:
«و آن میمون تو را به دردسر می‌اندازد. دوباره!»
گفتم: «چه حرف‌ها.» اما می‌دانستم که حق با



خواهرم است.

همه چیز، از هفته‌ی گذشته در موزه شروع شد.
دکتر والی گفته بود که آزمایشش موز را تغییر داده
است، و موز هم بدن مرا تغییر داده است.
حالا هم هر وقت هیجان‌زده می‌شوم، به شکل

میمون درمی‌آیم.

اتفاقی که زیاد هم برایم پیش می‌آید.
کلودیا گفت: «بنابر این تو باید احتیاط کنی، کلاید!»
گفتم: «احتیاط می‌کنم.» و بعد شروع به راه رفتن کردم.

خواهرم گفت: «و آرام بمانی.»

گفتم: «چشم.»

اما می‌دانستم که کار راحتی نخواهد بود.
روز گرفتن عکس دسته جمعی کلاس بود!
و من هیجان‌زده بودم!



فصل ۲ آرواره

کلودیا شانه‌هایم را گرفت و بعد روبه‌رویم ایستاد.
به او گفتم: «نگران نباش! دیگر نمی‌دوم و آرام می‌گیرم!»

اما خواهرم چیزی را پشت سرم دیده بود. او با
چشمان گشاد شده فریاد زد: «نه کلاید! بدو!»

